

رقابت طالبان و داعش بر سر کشتار مردم افغانستان:

و اشک تمساح دولت و اشغالگران آمریکایی

حوالی ساعت یک چاشت روز شنبه 7 دلو (20 جنوری) انفجار مرگباری در نزدیکی چهارراهی صدارت و شفاخانه جمهوری شهر کابل بوقوع پیوست که صدها کشته وزخمی به جا گذاشت. این محل از پررفت و آمدترین مناطق این شهر است و ساعت انفجار با توجه به وقت نان چاشت از مترکم ترین ساعات روز به حساب می رود.

مواد انفجاری در یک آمبولانس دولتی جا سازی شده بود و تلفات جانی و مالی زیادی را بجاگزارد. صدها تن درین انفجار کشته وزخمی شدند. صدای مهیب انفجارتا دوردست ها شنیده شد و هزارها تن از مردم تحت ستم افغانستان را به ماتم نشاناند. دود غلیظ توام با گرد و غبار فضا را پر نمود. خون غلیظ از تکه تکه پاره های بدن مردم زخم خورده جاری و در حال فوران به هر طرف پراکنده شد، بوی گوشت سوخته و استخوان های ذغال شده، بدن های تکه تکه پاره ی زن و مرد را به هم آمیخت. از آن روز انفجارات مرگبار دیگری که صدها کشته و هزاران زخمی بجا گذاشته شده توسط طالبان و داعش ادامه یافته است. این فجایع هولناک حکایت از آن دارد که مردم فقیر و زحمتکش افغانستان در میان آتش مرتجعین گیر افتاده اند و این مسئله از زمان اشغال افغانستان در سال 2001 توسط آمریکا و متحدین اروپایی اش شدت بیشتر و بیشتری یافته است. و از آن زمان تا کنون بمب افکن ها و مسلسلها و همچنین انفجارها و انتحارها جان هزارها تن را گرفته است.

بیماران شفاخانه جمهوری وداکتر ها و کارمندان آن نیز در اثر فرود آمدن آوار و شیشه های تعمیر شفاخانه، به شدت زخمی شدند. مردم و توده های افغانستان در حالی اسیر جنگ میان مرتجعین شده اند که جنگ و تضاد مهمی میان توده های مردم و کل مرتجعین وجود دارد. علاوه بر مرگ و کشتار توسط این جنگ ها میان مرتجعین حکومتی و بنیادگرا، بسیاری در اثر گرسنگی، سرما، کمبود داکتر و دوا و حوادث معمولی جان خود را از دست می دهند.

ارگ ریاست جمهوری که در فاصله ی نه چندان دور از محل وقوع حادثه قرار دارد برروال همیشگی این حمله را محکوم نموده و روز یکشنبه را ماتم ملی و روز دوشنبه را رخصتی محلی، اعلام نمود. چراغ های برج ایفل در شب بعد از حادثه، خاموش شد. ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده در بیانیه ای حمله کابل را محکوم کرد و گفت که: «حالا، همه کشورها باید اقدام قاطع علیه طالبان و ساختاری (شبکه ای) که آنها را حمایت می کند، روی دست بگیرند».

رئیس جمهور آمریکا در بخش دیگری از پیام خود گفته است که " ایالات متحده متعهد است که یک افغانستان امن ایجاد شود که عاری از تروریست هایی باشد که امریکایی ها، متحدان ما و هر کسی را که ایدئولوژی شریک آنها را قبول ندارد، هدف قرار می دهند».

این بیانیه ترامپ یادآور حادثه ی یازده ی سپتامبر 2001 است که آمریکا تحت ریاست جمهوری جرج بوش متحدین خود را علیه تروریزم فرا خواند که به افغانستان هجوم آوردند و به بهانه سرکوب تروریزم چشمه ساری را ایجاد کردند که از آن ده ها گروه تروریستی فوران کرد و افغانستان تا کنون در اشغال آنها قرار دارد.

از آن زمان تاکنون نه تنها تروریزم سرکوب و نابود نگردیده؛ بلکه افغانستان و سپس عراق، کشور های عربی و اینک سوریه یکی بعد دیگری به حمام خون، تبدیل شدند. تروریزم رشد نمود و گسترش بی سابقه ای یافت و بخش عظیمی از مردمان جهان در گیر دو نیروی پوسیده شده اند. این که اکنون چه نقشه ای در کار است و امپریالیزم جهانی چه پلان های شومی را در سر می پروراند دقیقاً معلوم نیست اما یک چیز معلوم است و آن تحکیم، استحکام و گسترش قدرت فاشیستی جهانی و به بردگی کشیدن بیشتر مردمان جهان است که آمریکا در راس آن، قرار دارد.

با رویکار آمدن دولت فاشیستی ترامپ اختلافات ملیتی در داخل افغانستان بالا گرفت. حلقه ی ناسیونالیستی داخل ارگ تنگتر و هر روز فشرده تر شد. تشکیل احزاب و گروه های قومی و ملیتی طی ماه های اخیر حکایت از فجایعی غم انگیز، دارد. پذیرایی پر طمطراق از گلبدین حکمتیار جنایتکار و رهایی همدستان اش از زندان بر شدت این تضادها افزوده است.

هر یک از کانون های قدرتی که امروز در افغانستان شکل گرفته تلاش دارد با ساختن پایگاه های قومی مردمان کشور را بدنبالچه خود تبدیل نماید. سر هر یک از این کانون ها به جایی یا قدرت های جهانی و یا قدرتهای منطقه ای بند است. در اثر زد و بند های این کانون ها تروریست ها تبدیل به پولیس ضد شورش شده اند و مردمان افغانستان قربانی تضاد و کشمکش این کانون ها گردیده اند.

مرتجعین و اینک بیش از هر زمان طالبان و داعش در کشتار مردم بی دفاع، رقابت می کنند. مسئولیت حمله ی خونین شنبه توسط طالبان و مسئولیت حمله امروز، توسط داعش پذیرفته شده است.

وضعیت داخلی افغانستان روبه وخامت است. برای مردم افغانستان خطر لحظه ای از دست رفتن و از دست دادن به یک امر عادی، تبدیل شده است. جامعه ی افغانستان و توده ها از وضعیت موجود افغانستان متضرر شده ورنج می برند.

هر فاجعه ای که اتفاق می افتد وضع روحی مردم افغانستان را خراب تر می نماید. کاسه ی صبر مردم لبریز شده است. مردم خواهان تغییر وضعیت اند.

این حادثه ی غم انگیز خشم عمومی را برانگیخته است. بی کفایتی دولت و نیروهای امنیتی رژیم در بین مردم بشکل گسترده روشن گردیده است. زیرا که از یک دولت مرتجع وابسته به قدرتهای خارجی که خود در کشتار مردم سهیم بوده است انتظاری بیش از این هم نمیرود. از طرف دیگر سکوت در مقابل این فجایع خود جنایتی بزرگ است و آب ریختن به آسیاب جنگهای میان مرتجعین است.

رهبری انقلابی کمبود بزرگی است که اکنون بیش از هر زمان دیگر، احساس می شود. توده های وسیع مردم باید برای انقلاب اجتماعی و حول مسایل ستمگرانه و استثماراری در اشکال مختلف متشکل شوند و چون سیلی خروشان مرتجعین بنیادگرا و امپریالیستهای اشغالگر و نمایندگانشان را از صحنه پاک کنند. نیروهای انقلابی و آزادی خواه باید از دل و جان و با تمام قدرت و توان در کنار مردم قرار گیرند. باید آموزه های انقلابی را به آنها آموزش دهند و آن ها را در جهت یافتن راه و روش انقلابی یاری دهند.

29 جنوری

پناهجویان و مهاجرین برای جهانی بدون مرز (افغانستان – ایران)